گزارش خبری

در نشست خبری سریال «کلانتری ۱۱» مطرح شد

ضرورت به‌کارگیری جوانان در رسانه ملی

نیایش احمدی| هفته گذشته در مراسمی از عوامل سریال «کلانتری ۱۱» قدردانی به عمل آمد. این نشست خبری که با حضور دست اندرکاران و عوامل این سریال برگزار شد، فرصتی مناسب برای بررسی نقش پلیس در تلویزیون و عملکرد مرکز سیمرغ بود. در این مراسم سجاد بهمن آبادی، مدیرکل خانه تولیدات جوان و مجید اکبرشاهی، رئیس مرکز سیمرغ معاونت سیما و سردار منتظرالمهدی حضور داشتند و با ابراز قدردانی از فعالیت‌های مجموعه، بر اهمیت حمایت از تولیدات داخلی و ارتقای سطح کیفی برنامه‌های فرهنگی تأکید کردند.

سجاد بهمن آبادی با اشاره به روند شکل گیری و تولید این مجموعه تلویزیونی اظهار کرد: فرایند تولید این مجموعه از سال ۱۴۰۳ به‌صورت جدی آغاز شد.

خانه تولیدات جوان در مؤسسه فرهنگی ناجی هنر با مأموریت اصلی شناسایی، حمایت و توانمندسازی استعدادهای جوان در عرصه تولیدات فرهنگی و هنری فعالیت می کند و تلاش دارد با ایجاد فرصت برای نیروهای خلاق و جوان، زمینه حضور و نقش آفرینی آن‌ها را در پروژه‌های حرفه‌ای فراهم کند.وی در پاسخ به پرسش خبرنگار قدس درباره به‌کارگیری جوانان در آثار جدی که به پخش تلویزیونی می‌رسند عنوان کرد: نسل جوان تجربه‌های طولانی و جدی‌ترشان در سریال‌های بلند کمتر است؛ اما این نسل تجربه‌های دیگری دارد که می‌تواند برای مجموعه ما مفید باشد. به گفته وی، افراد جوان خلاقیت دارند؛ برای نمونه، در سریالی که محدودیت لوکیشن وجود دارد، با این حال سریال متولد می‌شود و می‌تواند بخشی از خانواده‌ها را درگیر و مخاطب را به دنبال کردن اثر ترغیب کند. او تأکید کرد: این مزیت به‌کارگیری جوانان است و به این معنا نیست که تجربه کمشان سبب شود به سراغ ژانر پلیسی نروند. مدیرکل تولیدات جوان مؤسسه فرهنگی ناجی هنر یادآور شد: در ۱۰ سال گذشته، سریال‌های پلیسی ما عمدتاً شامل تعقیب و گریز و دستگیری بوده است؛ اما اینکه در یک لوکیشن محدود، وارد فضای کلانتری شده و به‌جای صرفاً نمایش اتفاق‌های بیرونی، وارد روابط نزدیک‌تر آدم‌ها با یکدیگر شویم، از جمله خلاقیت‌هایی است که به نظر من، نسل جدید از دوستان هنرمند ما در حال ورود به آن است. بهمن آبادی در بخش دیگری از سخنان خود درباره اینکه آیا این سریال ادامه پیدا می کند یا خیر، گفت: درباره ادامه پیدا کردن آن، ان‌شاءالله برنامه ما این است که بتوانیم وارد فصل‌های جدیدتری از «کلانتری ۱۱» شویم؛ همچنین امیدواریم در کنار این روند، تله‌فیلم، فیلم کوتاه و مینی‌سریال را نیز در این ژانر دنبال کنیم؛ چون معتقدیم جایی که دشمن بیشتر هدف گرفته، نیازمند تمرکز بیشتری است.

مدیرکل تولیدات جوان مؤسسه فرهنگی ناجی هنر همچنین درباره زمان پخش این مجموعه خاطرنشان کرد: در ابتدا پیش‌بینی نمی‌شد این سریال در ابتدای سال روی آنتن برود و حتی در برنامه‌ریزی‌های اولیه سازمان صداوسیما نیز تصور مشخصی برای پخش آن در ایام نوروز وجود نداشت. اما شرایط خاص کشور و فضای ناشی از تحولات و رخدادهای اخیر سبب شد این مجموعه در زمان متفاوتی مورد توجه قرار گیرد. او در پایان گفت: به اعتقاد ما، این شرایط موجب شد مردم بیش از گذشته با تلاش‌ها و فداکاری‌های نیروهای انتظامی آشنا شوند و درک کنند چرا دشمنان به‌ویژه جریان‌های وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی، تلاش می‌کنند مراکز انتظامی و کلانتری‌ها را هدف قرار دهند؛ زیرا در بسیاری از مواقع، نخستین پناهگاه و مرجع مراجعه مردم در زمان وقوع مشکلات و حوادث، نیروهای خدوم نیروی انتظامی هستند.

مجید اکبرشاهی، رئیس مرکز سیمرغ معاونت سیما ضمن قدردانی از تلاش‌های عوامل این سریال تلویزیونی، بر نقش آثار نمایشی در بازنمایی چهره انسانی و اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد.

اکبرشاهی در ابتدا در پاسخ به پرسش خبرنگار قدس گفت: مرکز سیمرغ فقط بخش تولیدی نمایشی نیست؛ ما هم تولیدات نمایشی داریم و هم کارهای حرفه‌ای انجام می‌دهیم؛ یعنی کار کردن با افراد و گروه‌های دارای تجربه. بخش تولیدات جوان بخشی است که به همه سازمان‌های صداوسیما خدمت می‌کند و شامل شهرستان‌ها هم می‌شود.

هیچ کس از روز نخست حرفه‌ای نبوده و همه افراد در یک مسیر رشد قرار می‌گیرند و به این مرحله می‌رسند. افرادی که به این مرحله رسیده‌اند، به این معنی نیست که تجربه نداشتند یا کار حرفه‌ای نکرده بودند. این دوستان مراحلی را طی کرده‌اند و در همان مسیر، ارزیابی شده و در نهایت این کار را انجام داده‌اند. همین دوستان همچنین به مراکز مختلف معرفی شدند و این مسئله، مأموریت خانه تولیدات جوان را تفکیک و روشن می‌کند.

وی در ادامه گفت: توفیق بزرگی حاصل شد که گروهی از جوانان هنرمند توانستند با تلاش شبانه‌روزی، بخشی کوچک اما ارزشمند از فعالیت‌ها، زحمات و خدمات نیروهای فراجا را در قالب تصویر و روایت تلویزیونی به نمایش بگذارند.

رئیس مرکز سیمرغ معاونت سیما ادامه داد: در زمان آغاز پروژه، به این فکر می‌کردیم که شاید این مجموعه بتواند به لحاظ کیفی و اجتماعی شبیه سریال «آقای قاضی» باشد؛ اما با تفاوت موضوعی و زاویه دید جدید. معمولاً در سریال‌هایی که در کشور با محوریت پلیس ساخته می‌شود، تمرکز بر تعقیب، گریز، تلخی‌ها و موقعیت‌های تنش‌زاست، اما در این اثر، پلیس به‌عنوان کاراکتر اصلی معرفی شده که از جنس مردم است، در متن زندگی روزمره آنان حضور دارد و این بار مردم، خود را در آینه رفتار و منش پلیس می‌بینند. موفقیت بزرگ‌تر این پروژه زمانی رقم خورد که همزمان با نمایش آن، جامعه ایران بیش از پیش با جانفشانی‌ها، فداکاری‌ها و روحیه ایثار نیروهای پلیس آشنا شده بودند. امروز مردم با دیدن پلیسی که کنار خیابان ایستاده، سختی‌ها را تحمل می‌کند، شاخه گلی به کودکی می‌دهد، یا در روستا برای تأمین آب مردم و امنیت کارگران معدن تلاش می‌کند، احساس امنیتی عمیق‌تر و انسانی‌تر را تجربه می‌کنند. این سریال توانست این پیوند معنوی میان مردم و پلیس را محکم‌تر کند.

اکبرشاهی همچنین تجربه تولید سریال «قاضی» را یادآور شد و گفت: در جلسات آن پروژه، ما با گروهی از قضات می‌نشستیم و نکاتی را مطرح می‌کردیم که قصد داشتیم به نیروهای فراجا منتقل کنیم؛ اما قالب و زبان هنری مناسب برای بیان آن در رسانه پیدا نمی‌شد. امروز این سریال جدید توانسته آن خلأ را پر کند و به لطف خدا، رسانه به نقطه‌ای گام گذاشته که موجب ارتقای همه‌جانبه فضای تعامل فرهنگی پلیس و مردم شده است.

وی در پایان اظهار کرد: ما معتقدیم این تجربه می‌تواند آغازگر روندی تازه در نمایش چهره انسانی، قانونمدار و فرهنگی پلیس در آثار تلویزیونی باشد.

«پاتوق باغ فردوس» ۱۰ شب با حضور گرم مردم و هنرمندان، حماسه‌ای از ایستادگی خلق کرد

یک ایران برای ایران

صبا کریمی| در شب‌هایی که بسیاری از شهرهای ایران زیر موشک و بمباران بودند، مردم ایران‌زمین از زن و مرد تا پیر و جوان، بدون آنکه گردی از خستگی و ذره‌ای ترس بر صورتشان بنشیند، هر شب در میادین و خیابان‌های شهر، گرد هم می‌آمدند تا جلوه درخشانی از همبستگی ملی را به نمایش درآورند، مردان و زنانی که فارغ از تفاوت دیدگاه و پوشش در کنار کودکان و سالمندان شانه به شانه در خیابان یکصدا نام مقدس ایران را فریاد می‌زدند و آوازه صلابت و ایستادگیشان را به گوش جهان می‌رساندند.

با اعلام آتش‌بس، شهرها کم‌کم به روزهای آرام خود بازگشتند و جنب و جوشی بیشتر در دل آن‌ها تبلور پیدا کرد. میدان تجریش تهران هم در این روزها مانند سایر میادین، آوردگاه حضور مردمی مقاوم و دلبسته ایران بود اما کمی پایین‌تر از میدان تجریش در محوطه باغ فردوس واقع در خیابان ولی‌عصر(عج) تهران، اتفاق‌های متفاوت‌تری در جریان بود که به ذوق هنرمندانه اهالی فرهنگ آراسته شده بود و هر کسی که یک شب را در آنجا می‌گذراند دیگر نمی‌توانست به آنجا بازنگردد؛ پاتوقی خودمانی و گرم به میزبانی هنرمندان در کنار مردمی که به یک رویداد متفاوت دعوت شده بودند.

> کمی پایین‌تر از میدان تجریش در محوطه باغ فردوس واقع در خیابان ولی‌عصر(عج) تهران، اتفاق‌های متفاوت‌تری در جریان بود که به ذوق هنرمندانه اهالی فرهنگ آراسته شده بود و هر کسی که یک شب را در آنجا می‌گذراند دیگر نمی‌توانست به آنجا بازنگردد

شامگاه دوشنبه ۱۷ فروردین ماه و در سی و نهمین شب جنگ تحمیلی اسرائیل و آمریکا علیه ایران، نخستین شب اجتماع مردم و اهالی فرهنگ و هنر با اجرای برنامه‌های متعدد در باغ فردوس و مقابل موزه سینما رقم خورد؛ «پاتوق باغ فردوس» با شعار «من ایرانم» و حال و هوایی فرهنگی و ملی به مدت ۱۰ شب رویدادی جذاب و کم‌نظیر با برنامه‌هایی متنوع را خلق کرد؛ از هم‌خوانی سرودهای ملی و حماسی و اجرای موسیقی زنده و نمایش‌های خیابانی تا برپایی مراسم یادبود کودکان شهید میناب و روشن کردن ۱۰هزار شمع به یاد شهدای جنگ تا گعده‌هایی دوستانه و صمیمی در کنار هنرمندان و مردم و به اشتراک گذاشتن تجربه‌های تلخ و شیرین روزهای جنگ. رویدادی که با حضور گرم و جوشش مردمی به محفلی فرهنگی برای یادآوری و همدلی تبدیل شد. پیش از این نیز همین رویداد، از پنجم فروردین به مدت ۱۰شب، در محوطه باغ فردوس اجرا شده بود و استقبال از آن، اهالی فرهنگ و هنر را بر آن داشت تا بار دیگر در شکل و شمایلی تازه دنبال شود.

■باغ فردوس با نور و موسیقی میزبان عاشقان ایران

ورودی باغ در میان چنارهای بلند و کهنسال با فانوس‌هایی روشن و فضایی غرق نور در کنار رقص پرچم‌های ایران در دستان کوچک و بزرگ حاضران، قابی متفاوت و دیدنی خلق کرده بود. پاتوقی که بساط چای داغ و گپ و گفتش به راه است و با پخش و اجرای زنده موسیقی و برگزاری کارگاه‌های نقاشی برای بچه‌ها فضایی زنده و گرم به وجود آورده است.

سیدعلی احمدی، تهیه‌کننده تلویزیون و سینما درباره شکل‌گیری پاتوق باغ فردوس، به همکاری هنرمندان و جمعی از اهالی رادیو و تلویزیون و سینما اشاره می‌کند که دور هم جمع شدند و این پاتوق را برپا کردند.

در باغ فردوس دکوری از مدرسه میناب و نیمکت‌های دانش‌آموزان هم طراحی و با نمایشگاهی از عکس‌های کودکان شهید مزین شده است. مردم در شب‌هایی که میهمان پاتوق باغ فردوس بودند برای بچه‌های میناب شمع روشن می‌کردند و یادشان را گرامی می‌داشتند.

به گفته احمدی، دکور مدرسه، طراحی عباس نادران، تهیه‌کننده سینما بود که چند شبی هم مقابل سازمان ملل برپا شد و بعداً این دکور را با وسعت بیشتری به اینجا منتقل کردند و نیمکت‌هایی هم به یاد دانش‌آموزان شهید طراحی و در کنار آن نمایشگاهی از عکس‌های شهر و بچه‌های مدرسه میناب به نمایش گذاشته شد.

■مردم تصورات دشمن را به هم زدند

محسن علی‌اکبری، تهیه‌کننده پیشکسوت سینما که از همان شب نخست در میدان بوده، به حضور گرم هنرمندان و سینماگران در میادین و خیابان‌های شهر در کنار مردم اشاره می‌کند و به خبرنگار ما می‌گوید: این را قاطعانه می‌گویم که در کنار لانچرهای موشک، حضور مردم در خیابان هم تأثیر بسیاری داشت و دشمن را به این نتیجه رساند که فقط با یک قشر خاص مواجه نیست و همه مردم به میدان آمده‌اند.

وی ادامه می‌دهد: در همین موزه سینما که ما هستیم مردم با نگرش و تفکرات مختلفی حضور دارند. در همین محفل، خانمی مسیحی را دیدم که برای دفاع از ایران آمده بود و چیزی که برایم جالب است حضور گسترده خانواده‌ها از کودک دوساله تا پدربزرگ و مادربزرگی است که کنار فرزندانشان به میدان می‌آیند. شک نکنید که جلوه حضور پرقدرت و باشکوه مردم در آینده کشور تأثیرات بسیاری خواهد داشت.

■رسالت هنرمندان در این روزهای تاریخی

علی‌اکبری در ادامه به رسالت جامعه هنری در جنگ اشاره و بیان می‌کند: من وظیفه خودم و سایر هنرمندان را در ثبت این لحظات می‌دانم، مانند همان اتفاقی که در هشت سال دفاع مقدس رقم زدیم. در آن سال‌ها فیلم‌های «بلمی به سوی ساحل» و «پرواز در شب» را ساختم و دوستان من هم فیلم‌های زیادی تولید کردند. همان فیلم‌ها موجب می‌شد جوانان بسیاری به جبهه‌ها بروند و بعدها این آثار در آرشیو گنجینه تاریخ هنر ماندگار شدند.

بنابراین وظیفه ما هنرمندان مشخص است چه در کنار رزمندگان در میدان و چه همراه مردم در خیابان باید آن اتفاقی که ناظرش هستیم را در قالب فیلم، سریال و مستند ضبط و ثبت کنیم تا آیندگان بدانند روزی ابرقدرتی به نام آمریکا به ایران حمله کرد و این کشور به‌اصطلاح جهان سومی توانست این ابرقدرت را به خاک بکشد. من به ایرانی که ۷هزار سال تمدن ثبت شده تاریخی دارد افتخار و برای این ایستادگی احساس غرور می‌کنم.

■نقطه اشتراکی به نام «وطن»

اما جواد موگویی، مستندساز که پای ثابت پاتوق باغ فردوس بود و هر شب تجربه‌ها و روایت‌هایی از جنگ را با مردم به اشتراک می‌گذاشت، درباره تجربه این جنگ این طور می‌گوید: ما در ۱۵سال اخیر دچار شکاف‌های اجتماعی بسیاری شده بودیم، اما در جنگ ۱۲روزه و جنگی که امروز درگیر آن هستیم یک نقطه مشترکی به نام «وطن» شکل گرفت که همه دور آن جمع شدند. این چیزی بود که تابه‌حال تجربه نکرده بودیم و تبلور این حس مشترک را در خیابان و گفت‌وگوهایی که با مردم داشتم به چشم خودم دیدم. موگویی که برای ساخت مستند در روزهای جنگ سفرهای متعددی به جزایر جنوبی کشور و تنگه هرمز داشته درباره حال و هوای این خطه از ایران اظهار می‌کند: همه زندگی مردم تحت تأثیر جنگ است اما چیزی که در جنوب کشور بیشتر جلب توجه می‌کرد این بود که مردم اختلافات داخلی را از جنگ جدا کرده‌اند. در طول تاریخ، جنوب کشور درگیر جنگ‌های بسیاری بوده و تجربه‌های زیادی دارد. آن‌ها حقیقت جنگ، حقیقت ناو آمریکایی و اشغال را خیلی بهتر می‌فهمند. مردم تهران از سال‌های ۶۷-۶۶ که تهران بمباران شد دیگر حقیقت جنگ را تجربه نکرده بودند اما مردم جنوب چون همیشه در معرض آن بوده و هستند درک بهتری از آن دارند و نفرت از جنگ و اشغال‌گری در میان مردم خیلی زیاد بود. علاوه بر این در ساخت مستندها هم بی‌دریغ کمک می‌کردند و همراه بودند.

■مردم آمده‌اند که بشنوند و گفت‌وگو کنند

موگویی که در این شب‌ها حضور مستمری در باغ فردوس داشته درباره تعامل با مردم یادآور می‌شود: یک بخش جنگ مربوط به اخبار، تحلیل و پرسش است و بخش دیگر آن مسائلی است که منجر به وقوع جنگ شده؛ در این شب‌ها به همه این مسائل اساسی پرداختیم و سعی کردیم آن‌ها را به تاریخ پیوند بزنیم و از جنگ بگوییم. به نظرم این شب‌ها مردم خیلی علاقه‌مند به شنیدن هستند و فرصت خوبی بود تا پرسش‌های آن‌ها را جواب بدهیم.

■دلنوشته‌های مردم ایران از جنگ کتاب می‌شود

در میان اجرای زنده موسیقی و برنامه‌های متنوعی که برقرار بود، حضور ایمان صفایی، مستندساز جوان و از اهالی جنوب با دفتری در دست که میان مردم می‌گشت و از آن‌ها می‌خواست دلنوشته‌ای در این دفتر بنویسند هم جلب توجه می‌کرد. او درباره انگیزه این کار می‌گوید: وقتی آمریکا و اسرائیل حملاتشان را شروع کردند، به سرعت راهی تهران شدم، دقایق و ساعات اولیه جنگ، برایم لحظات سختی بود؛ از شهادت کودکان مدرسه میناب تا رسیدن خبر شهادت چند تن از اقوامم. با این حال خودم را به تهران رساندم و دیدم همه به سراغ مستندسازی رفته‌اند و دوربین به دست هستند، اما من شروع کردم به روایت‌گری و جمع‌آوری دلنوشته‌های مردم.

دومین دفتر را هم پر کردیم و قرار است به زودی به اهواز، عراق و سپس به بیروت و یمن بروم و دلنوشته‌های مردم آنجا را جمع‌آوری کنم. احساساتی ناب و زیبا از آزادی‌خواهان دنیا که تصمیم دارم آن را به صورت یک کتاب چاپ کنم.

■اجماع هنرمندان و مردم فصل تازه‌ای را گشوده است

هوشنگ توکلی، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون نیز که در این جمع حضور داشته به خبرنگار ما می‌گوید: با همه مشکلاتی که وجود دارد آنچه این روزها و شب‌ها می‌بینیم زندگی با همه ابعاد آن است و همه این‌ها سرزمین ما را زنده نگه داشته و با برنامه‌هایی که توسط هنرمندان و اهالی فرهنگ برگزار می‌شود و آن‌ها همراه و همسو با مردم در صحنه هستند فصل جدیدی شکل گرفته و من خوشحالم که سهمی کوچک در این جمع داشتم. توکلی تأکید می‌کند: سرزمینی شادتر و خوشبخت‌تر است که مردمانش به هم اعتماد دارند و در بزنگاه‌های سخت کنار یکدیگر می‌ایستند و خوشبختانه ما در ایران این همدلی را می‌بینیم و باید برای بیشتر شدن آن تلاش کنیم.

اما داستان شب‌های باغ فردوس به همین جا ختم نمی‌شود، هنرمندانی که از ابتدای امسال با برنامه‌هایی متنوع لحظات پرامیدی را برای مردم ساختند، باز هم دوشادوش آن‌ها در صحنه خواهند بود و یک ایران برای «ایران» همچنان در میدان می‌مانند و با همدلی این نام را ماندگار خواهند کرد.

زوم

آقای خاص موسیقی، چهره هنر انقلاب در ۱۴۰۴

گروه فرهنگ و هنر | آیین پایانی هفته هنر انقلاب پنجشنبه ۲۷ فروردین در میدان ولی‌عصر(عج) تهران و در قالب تجمع‌های شبانه پس از تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران برگزار شد.

محسن چاووشی برای دو قطعه «علاج» و «حسبی‌الله»، سیدعلی میرفتاح؛ نقاش که تصاویر شهدای جنگ را روی دیوارهای تهران نقش زد، مریم شعبانی؛ کارگردان و نویسنده تئاتر برای نمایش «برای هانا»، سیروس مقدم برای مجموعه «پایتخت ۷» و محمد میرکیانی؛ نویسنده برای یک میلیونی شدن کتاب «قصه ما مثل شد» نامزدهای این دوره چهره هنر انقلاب بودند.

در نهایت محسن چاووشی به عنوان چهره هنر انقلاب در سال ۱۴۰۴ انتخاب شد. بر اساس توضیح برگزارکنندگان این مراسم، محسن چاووشی در سال گذشته که کشورمان درگیر دو جنگ تحمیلی ۱۲روزه و رمضان بود، دو قطعه موسیقی «علاج» و «حسبی‌الله» را تولید کرد که موسیقی را به مفهوم وطن‌دوستی گره زد و واکنش‌های زیادی از سوی شنوندگان دریافت کرد.

«هفته هنر انقلاب اسلامی» همزمان با فرارسیدن ۲۰ فروردین ماه و سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی، با برگزاری برنامه‌های هنری در تهران و چند استان کشور آغاز شد و ۲۷ فروردین ماه در میدان ولی‌عصر(عج) تهران به ایستگاه پایانی رسید.

بر اساس اعلام قبلی حوزه هنری انقلاب اسلامی، در این رویداد، ۹ اجرای میدانی و پرفورمنس در نقاط مختلف پایتخت و سه استان روی صحنه رفت که با محوریت مفاهیم هویتی، ملی و انقلابی طراحی شده بودند. نمایش‌هایی همچون «آرش»، «ما ایرانیم»، «اتحاد مقدس»، «به نام ایران»، «به رنگ پرچم»، «زنگ بهشت»، «رئیسعلی و کوچک‌خان» و «فرشته‌های میناب» در هفته هنر انقلاب اجرا شدند. همزمان با این برنامه‌ها، شب‌های شعر نیز با حضور جمعی از شاعران در میادین اصلی تهران و نیز در برخی استان‌ها برگزار شد.

این رویداد هر سال با هدف گرامیداشت هنر انقلاب و یاد شهید سیدمرتضی آوینی، در قالب مجموعه‌ای از فعالیت‌های نمایشی، ادبی و هنری برگزار و در پایان نیز از میان چهره‌های فعال این حوزه، یک نفر به‌عنوان «چهره سال هنر انقلاب» انتخاب می‌شود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز با انتشار پیامی در شبکه ایکس ضمن تبریک به محسن چاووشی برای انتخاب شدن به عنوان چهره هنر سال انقلاب، نوشت: انتخاب آقای محسن چاووشی را به عنوان چهره سال هنر انقلاب تبریک می‌گویم. ایشان با دو قطعه علاج و حسبی‌الله در دو جنگ تحمیلی اخیر، نقشی کم‌بدیل در دفاع ملت ایران داشتند.

نوای مداحی و موسیقی حماسی همپای غرش موشک‌های ایرانی، دشمن‌شکن بوده‌اند. ایران به این عزیزان مباهات می‌کند.